



انترناسیونال

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



۱۰۹

منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۲ مهر ۱۳۸۴، ۱۴ اکتبر ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیر: محسن ابراهیمی

پیام حمید تقوایی
به مریم نمازی

صفحه ۶

تور سخنرانی علیه اعدام
مینا احدی در سوئیس

صفحه ۷

کودکان در پارک
سپیدار سندج

صفحه ۶

زلزله هند و پاکستان
اخراج میسیونرهای مسیحی از ونزوئلا
در حاشیه رویدادها کاظم نیکخواه
صفحه ۸

صفحه ۶

مریم نمازی بعنوان سکولاریست سال شناخته شد



مریم نمازی در مراسم دریافت جایزه سکولاریست سال



گوشه ای از مراسم روز کودک در سندج



ستون اول

محسن ابراهیمی

کودکان را باید از زیر دست خدا و سرمایه نجات داد!

آخرین آمار یونسف:
کودکان بی خانمان: ۶۴۰ میلیون
کودکان محروم از بهداشت: ۵۰۰ میلیون
کودکان محروم از آب سالم: ۴۰۰ میلیون
کودکان محروم از تحصیل: ۳۰۰ میلیون
کودکان محروم از خدمات درمانی: ۲۷۰ میلیون
کودکانی که هرگز روی مدرسه ندیده اند: ۱۴۰ میلیون
کودکان گرسنه: ۹۰ میلیون
و ... به این آمار هنوز میتوان اضافه کرد: کودکان فاقد بیمه درمانی، فقط در آمریکا، ۱۰ میلیون کودک، کودکانی که در سال ۲۰۲۰ گرسنه خواهند خوابید. فقط در آسیای جنوب شرقی، چهار درصد کل کودکان، (پیش بینی بانک جهانی).
و هنوز میتوان اضافه کرد: کودکان کارتن خواب خیابانهای برزیل، همان کودکانی که از ترس جوخه های مرگ دولتی شبها در

صفحه ۲

گسترش اعتراضات کارگری

صفحه ۵

شهلا دانشفر

سیاست ارباب به جایی نرسید

صفحه ۴

اصغر کریمی



یک کشور آزاد غیر مذهبی، غیر قومی، غیر ملی، با یک قانون واحد برای همه!

بخش اول

خطرات ناسیونالیسم و قوم گرایی در تحولات آتی

مذهب به این تلاشها ابعاد و زمینه جدیدی برای گسترش و مادیت یافتن بخشیده است. پی آمدهای تحركات قومی و

صفحه ۴

میشود. طرح و تلاش برای فدرالیستی کردن جامعه عراق و حمایت دولت آمریکا در استقرار چنین طرحی و تشکیل دولتهایی مبتنی بر قومیت و ملیت و

فدرالیسم بطور برجسته تری در تبلیغات جریانات قومگرایی منتسب به کرد و عرب و بلوچ و آذری و همچنین برخی جریانات ناسیونالیست ایرانی دیده

در ماههای اخیر تحركات قومی و ناسیونالیستی شدت بیشتری گرفته است. تبلیغ نفرت و کینه تیزی قومی و ملی یکی از نتایج اولیه این تحركات است. شعار

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

قطعنامه جهانی شایسته کودکان

قطعنامه روز جهانی کودک در سندج (پارک سیدار ۱۷ مهر ۸۴)
مردم با کف زدن خود در پایان فرامت این قطعنامه آوا تاید کردند

مردم آزاده یخواه!
مدافعین حقوق کودکان!

اجتماعی
۳. آموزش و پرورش رایگان و
اجباری برای همه کودکان
۴. حداقل یک وعده غذای گرم،
مکفی و رایگان در کلیه مدارس و
مهد کودکها

۵. طب و بهداشت رایگان برای
کودکان

۶. تامین مهد کودکهای
مجهز، مدرن و مجانی برای همه
کودکان

۷. تحت تکفل قرار دادن
کودکان بی سرپرست توسط دولت و

تامین مسکن و امکانات زندگی و
تربیتی برای آنها با استانداردهای
بالای بین المللی. تمامی کودکان

باید از بیمه و تامین اجتماعی
مکفی و رایگان برخوردار باشند.

۸. کودکان مهاجر به ویژه
مهاجرین جنگی، صرف نظر از
ملیت، نژاد و مذهب و ... باید از

تمامی امکانات رایج و مفاد این
قطعنامه بدون هیچ قید و شرطی
برخوردار گردند.

۹. تامین یک زندگی شایسته
انسانی برای کودکان دارای نقض
بدنی و نارسایی های ذهنی

۱۰. ممنوعیت حبس و زندانی
کردن کودکان. مجازات اعدام باید
لغو شود

۱۱. ممنوعیت تنبیه بدنی،
اعمال فشار روانی و ارعاب کودکان.
۱۲. رفع هر نوع تبعیض بین
کودکان دختر و پسر.

۱۳. ممنوعیت و جرم بودن
ازدواج افراد بزرگسال با افراد زیر سن
قانونی. سن قانونی بلوغ جنسی ۱۶
سال است.

۱۴. اجرای فوری و دقیق مفاد
پیمان نامه جهانی حقوق کودک و
دیگر مصوبات بین المللی برای
حمایت از حقوق کودکان بویژه

کودکان کار و خیابان

دنیای امروز دنیای نعمات، رشد
تکنولوژی و فرهنگ ازبکسو و
دنیای فقر و فلاکت، جنگ و
خونریزی، ترور و بی خانمانی از
سوی دیگر است

متأسفانه کودکان اولین و
ضعیف ترین قربانیان این دنیای نا

برابر هستند. میلیونها کودک در این
دنیای پر از نعمات، از گرسنگی در
رنج اند و هزاران نفر کودک روزانه در

اثر فقر و نداری جان می دهند.
کودکان قربانیان جنگها، قربانیان

فرهنگهای ضد کودک، ضد زن و
ضد انسانی و قربانیان خاموش ایدز
و بیماریهای مهلك دیگر هستند

در کشور ما نیز چه بسیار
کودکان خیابانی که در اثر بیرحمی

له میشوند، چه بسیار کودکانی که
از تحصیل بدلیل فقر محروم اند و
چه بسیار کودکان دختری که از همان

اولین روزهای زندگی طعم تحقیر و
نابرابری و آپارتاید جنسی را به
تلخی تجربه میکنند. در اینجا

کودکان در ابعاد میلیونی پریر
میشوند و باید در مقابل آن کاری
کرد.

ما برای یک دنیای دیگر تلاش
میکنیم. دنیای عاری از فقر و
نابرابری، دنیای احترام به حقوق و

نیازهای کودکان، دنیایی که در آن
کودکان مجبور به کار نباشند،
دنیای شادی و رفاه و امنیت و آزادی

برای کودکان و برای همه انسانها. در
روز جهانی کودک یکبار دیگر با
عطف توجه به موقعیت وخیم

میلیونها کودک در دنیا و در ایران،
پیمان می بندیم که برای بهبود
زندگی کودکان و دستیابی به حقوق

اشان فعالیت کنیم و تلاش کنیم در
کنار کودکان باشیم. احترام به کودک
معیار تمدن و مدنیت در یک جامعه
است.

برای شادی و ایجاد محیطی انسانی
برای کودکان ما خواهیم:

۱. ممنوعیت کار حرفه ای برای
کودکان زیر ۱۶ سال

۲. تامین اجتماعی کودک و
قرار گرفتن خانواده هایی که زیر خط
فقر قرار دارند زیر پوشش تامین

لولیدن شبانه روزی در میان زباله ها
را به عنوان يك شغل برسمیت
شناخته است!) کودکانی که
بادهادکهایشان توسط طالبان
مصادره شد تا برای تماشای
سنگسار مادرانشان حاضر شوند!

و ... در میان این دنیای غمزه
ای که سرمایه و خدا برای کودکان
فراهم کرده است لحظات شورانگیز
مراسم روز کودک در تهران و سندج
و شهرهای دیگر را میبینیم.
کودکانی که در پارک سپیدار سندج
جمع شدند و با صدای بلند اعلام
کردند "کودکان مقدمند".

این کودکان را میتوان و باید از
زیر دست و پای سرمایه و خدا و
امامانش نجات داد. باید دنیا را بر
سر کسانی که جهان را بر سر کودکان

خراب کرده اند خراب کرد. باید
دنیای بهتر کودکان را بر پا کرد.
حزب کمونیست کارگری در بر

نامه اش گوشه ای از دنیا را تصویر
کرده است.

ستون اول

از صفحه ۱

فاضلابهای شهر "میخواهند".
کودکانی که برای تن فروشی شکار
میشوند. کودکانی که اندامهای
بدنشان در بازار آزاد سرمایه معامله
میشوند. کودکانی که توسط

میلیشاهای مسلح قومی و مذهبی
از روستاهای آفریقا دزدیده میشوند
و به آدمکشی و آوار میباشوند.
کودکانی که در همان لحظه تولد در
گوشه ای دورافتاده پرت میشوند.

و باز هم میتوان اضافه کرد:
کودکانی که خشم "خدا" هیچ لحظه
دست از سرشان برنمیدارد. کودکانی
که یک بار توسط سرمایه له شده اند
و بار دیگر توسط خدا له میشوند.

کودکان سونامی، کودکان زلزله،
کودکان سیل و طوفان. سونامی در
آسیای جنوب شرقی، ۵ هزار کودک
را یکباره به کام مرگ کشاند و ۱
میلیون و ۵۰۰ هزار کودک را آواره
کرد. و دهها هزار بازمانده بی

تأمین اجتماعی حکومت اسلامی،
علمای فاسد اسلام و سرمایه
برایشان عقد میخوانند و بنا بر
سنت پیغمبرشان به خانه های تجاوز
روانه میکنند. کودکان پلاستیک
جمع کن که هزار هزار در زباله

دانهای تهران دنبال نان شبشان
هستند. (اخیرا این کودکان مشمول
الطاف الهی شده اند و وزارت رفاه و
تامین اجتماعی حکومت اسلامی،

خانواده و امکانات خانوادگی، تحت
تکفل دولت و زندگی و تربیت آنها
در نهادهای مدرن و پیشرو و مجهز.

ایجاد مهد کودک های مجهز و
مدرن به منظور برخورداری همه
کودکان از یک محیط زنده و خلاق
تربیتی و اجتماعی، مستقل از
شرایط خانوادگی.

برابری حقوقی کامل کودکان،
اعم از اینکه داخل یا خارج ازدواج
بدنیا آمده باشند.

ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان
و نوجوانان زیر ۱۶ سال.
ممنوعیت هر نوع آزار کودکان در

پرداخت کمک هزینه های لازم و ارائه
خدمات رایگان پزشکی و آموزشی و
فرهنگی، برای تضمین استاندارد
بالای زندگی کودکان و نوجوانان
مستقل از وضعیت خانوادگی.

قرار گرفتن کلیه کودکان فاقد

حق هر کودک به یک زندگی شاد،
ایمن و اخلاق.

تضمین رفاه و سعادت هر کودک،
مستقل از وضعیت خانوادگی، با
جامعه است. دولت موظف است
استاندارد واحدی از رفاه و امکانات
رشد مادی و معنوی کودکان و
نوجوانان را، در بالاترین سطح
ممکن، تضمین کند.

تضمین رفاه و سعادت هر کودک،
مستقل از وضعیت خانوادگی، با
جامعه است. دولت موظف است
استاندارد واحدی از رفاه و امکانات
رشد مادی و معنوی کودکان و
نوجوانان را، در بالاترین سطح
ممکن، تضمین کند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

رادیو انترناسیونال
۲۱ متر ردیف ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز
هر شب ساعت ۸ به وقت تهران

از صفحه ۱

یک کشور آزاد ...

ناسیونالیستی در تحولات سیاسی آتی ایران کدامست؟ مخاطرات احتمالی کدامند؟ چگونه میتوان جامعه و جنبش توده های مردم برای سرنگونی رژیم اسلامی را از گزند عواقب دهشتناک کشمکشهای قومی و ناسیونالیستی بر حذر داشت؟ چه باید کرد؟ چگونه باید به جلورفت؟

سرنگونی محتوم جمهوری اسلامی

برای بررسی خطرات ناسیونالیسم و قومگرایی در تحولات آتی باید از موقعیت جمهوری اسلامی آغاز کرد. تحرك اخیر نیروهای قومگرا و ناسیونالیست در يك خلاء سیاسی در جامعه شكل نگرفته است. موقعیت رو به سقوط و سرنگونی محتوم رژیم اسلامی آن زمینه و بستری است که این جریان را به تحرك واداشته است. سیاست عمومی بسیاری از این نیروها عمدتاً سازش و معامله و بند و بست و بعضاً مقابله با رژیم اسلامی است. فاز سازش و بند و بست در دورانهای طولانی وجه غالب سیاسی بسیاری از نیروهای قوم پرست و ملی گرا بوده است. در بررسی کارنامه این سیاست باید گفت که متأسفانه رژیم اسلامی تلفات بسیاری را هم به این نیروها تحمیل کرده است. امروز بسیاری از این نیروها به سیاست مقابله جویانه ای با رژیم اسلامی روی آورده اند. چرخش به این روی سکه روش سیاسی شان و اتخاذ سیاست مقابله جویانه با رژیم اسلامی نه از سر خواست و نیت عمومی این جریانات بلکه عمدتاً ناشی از موقعیت رو به اضمحلال رژیم جمهوری اسلامی است. کشتی جمهوری اسلامی در حال غرق شدن است. و اگر رژیم اسلامی در تصویر آتی قرار نداشته باشد نتیجه سازش و بند و بست و معامله کمتر میتواند جایگاهی در سیاست این جریانات ایفا کند. نگاهی گذرا به موقعیت رژیم اسلامی بیانگر این واقعیت است.

رژیم اسلامی در سراسر سقوت است. در بن بستى همه جانبه و لاعلاج قرار دارد. راهی و درمانی برایش متصور نیست. تمام راهها و سیاستهایی که رژیمهای استبدادی و دیکتاتوری در چنین شرایطی بکار میگیرند را آزموده است. دوم خرداد نتوانست مرحمی بر درد و بحران

های کشنده رژیم باشد. بر عکس بن بست رژیم را عریانتر کرد. چهره کریه حاکمیت اسلام را لخت و عور و بدون برك دوم خردادی در مقابل مردم مترصد فرصت قرار داد. در اوج استیصال و درماندگی و با صرف هزینه گزاف دست به تغییر آرایش رژیم زدند. قداره بندی مانند احمدی نژاد را در جلوی صف قرار دادند. موفق نشدند. به حاکمیت آرایشی نیمه نظامی دادند. موفق نشدند. شمشیر خونین اسلام را از رو بستند. ذره ای موفقیت کسب نکردند. زدند بدون اینکه امیدی به ماندن در زدن داشته باشند. تهدید به کودتا کردند، بدون اینکه امیدی به موفقیت کودتا داشته باشند. مساله این است که شکست نمایش ارباب و قداره بندی از پیش روشن بود. بیش از ۳ ماه هم طول نکشید تا شکاف ناشی از آرایش جدید راس حکومت اسلامی را هم در بر بگیرد. شکافشان تعمیق شد. خامنه ای در راس حکومت بار دیگر به تکاپو افتاد. حاکمیتی که یکپارچگی خود را رمز موفقیت و بقاء تعریف کرده بود در اولین قدمها به درماندگی خود در یکپارچگی خود پی برد. در تلاشی کودکانه کوشیدند تا بار دیگر بازی جناحی را براه اندازند تا شاید ترمزی بر سرعت سقوط خود قرار دهند. کارت سوخته رفسنجانی را به جلو آورده اند. حکم اخیر خامنه ای نشان درماندگی و هراس حاکمیت از مواجهه با مردمی است که در کمین رژیم اسلامی نشسته اند.

در عرصه بین المللی و دیپلماسی به دامن زدن بیشتر به تنشها و آتش افروزی در کانونهای بحران در منطقه و در سطح جهان روی آوردند. به استقبال بحران اتمی رفتند. اتم و نه هیولای خدا و اسلام، اتم و نه شمشیر خونین اسلامی از قرار آخرین برگ این اوباش برای بقا است. اما اتم درمانی هم برایشان چاره ساز نیست. شیشه عمرشان نه در يد قدرت انفجاری ذرات اتم بلکه در دست مردم عادی، عادی ترین مردم، در دست کارگر و جوان و زن آزادیخواه و برابری طلب است. در سراسرایی سقوت در نقطه بدون بازگشت به عقب قرار دارند. رژیم اسلامی محکوم به سقوط است.

واقعیت این است که ایران در آستانه تحولات عظیم اجتماعی قرار گرفته است. جمهوری اسلامی بدون

تردید رفتنی است. تحرك جدید جریانات قومگرا و کینه توز ناسیونالیست از جبهه فالانژیستی الاهواز گرفته تا جریان فالانژ پوک و یا جریانات قومگرایی منتسب به بلوچ و آذری و همچنین جریانات فاشیست آریایی مانند هخا و امثالهم را باید در این بستر بررسی کرد.

زمینه های جهانی

اگر سقوط محتوم رژیم اسلامی شرط لازم و عامل تحرك امروزی این دستجات و باندهای قومگرا و فالانژ است، شرط کافی تحقق خلق فاجعه آمیز يك سناریوی قومی و ملی در ایران را از امیدشان به تحولات جهانی و مبنای سیاست نظم نوین در پروسه کشور سازی و تجدید آرایش حکومتی بورژوازی در شرایط حاضر میگیرند. اما چگونه؟ سقوط بلوک شرق يك روند تجدید آرایش کشوری و حکومتی را در درجه اول در کشورهای بلوک مضحمل شده شرق و بدنبال آن در کشورهایی که درگیر بحران حکومتی قرار داشتند، آغاز کرد. سرمایه داری دولتی و مدل و الگوی حکومتی در این کشورها تماماً دستخوش تغییرات اساسی شدند. همزمان با این تغییر و تحولات در ساختار اداری و حکومتی این کشورها شالوده ها و بنیانهای ایدئولوژیک و فکری این حکومتها نیز دچار تغییرات قابل ملاحظه ای شدند. يك روند ملت سازی و کشور سازی با ماتریال جدیدی توسط سرمایه جهانی در جلو صحنه قرار گرفت. نوع معینی از ناسیونالیسم، آنهم ناسیونالیسم قومی و به شدت افراطی، بعنوان ماده خام اولیه تشکیل دهنده بنیان فکری و ایدئولوژیک حکومتها و دولتهای جدید و بمنظور مشروعیت سیاسی بخشیدن به حکومتهای جدید بورژوازی در دستور قرار گرفت.

در این دوران ما شاهد شکل گیری و تحرك شدید جریانات قومگرا در کشورهای باقیمانده بلوک شرق و برخی دیگر از کشورها بودیم. ناسیونالیسم فاسد و منحط قومی هر روز مساله ملی جدیدی می آفریند. این ناسیونالیسم امروز پرچمدار خلق مساله ملی در سطح جهان است. يك رکن اساسی ایجاد مساله ملی تبلیغ کینه و نفرت قومی و ملی، ایجاد دشمنی و درگیری های خونین و دهشتناک با

بخش دیگری از جامعه در چهار چوب منفعت کور ملی و قومی است. کارنامه سیاه این جریانات قومی و ناسیونالیستی برای مردم معرفه است. از جنگهای قومی و گورهای دسته جمعی در یوگسلاوی سابق گرفته تا کشتارهای چند صد هزار نفره در رواندا، تا تحرك شدید قومی در افغانستان و عراق، نمونه هایی از تحرك و فعالیت این جریانات فاجعه آمیز بوده است.

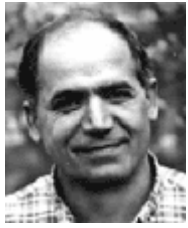
از طرف دیگر روند کشور سازی در این دوره تفاوتهای فاحشی در مقایسه با روندهای کشور سازی در دوره های پیش از آن در قرن نوزده و اوائل قرن بیستم دارد. این نوع ناسیونالیسم به لحاظ سیاسی تماماً ارتجاعی و ضد آزادیخواهی و ضد کارگر و کمونیسم است. بر متن يك تحجر عظیم و واپسگرایی عظیم سیاسی و فرهنگی و اجتماعی صورت میگیرد. این نوع کشور سازی کمتر تشابهی به روند کشور سازی در قرن نوزدهم دارد. کاملاً عقب مانده و تماماً ارتجاعی است. ناسیونالیسم قرن نوزدهم نه تنها گرایشی قومی نبود، بلکه متحد کردن و ادغام قومهای متعدد در چهارچوبهای واحد کشوری مضمون آن را تشکیل میداد.

الگوی این جریانات قومگرا تبدیل جهان موجود به مجموعه و سبدي پر از کشورهای ریز و درشت است. به تعدادی که هر دار و دسته فالانژ میتواند هویت قومی و ملی جدید و کاذبی برای بخشی از مردم در هر گوشه و کناری بترشد. نقش این جریانات قومی ایجاد چنان نفرت و کینه قومی و ملی و ایجاد خصومت میان بخشهای مختلف مردم است که عملاً امکان همزیستی و زندگی مسالمت آمیز را از مردم و جامعه سلب میکند. کار این جریانات قوم پرست این است که تفاوتها و تمایزات قومی و فرهنگی را به تنش و کشمکش و درگیری و خصومت تبدیل کنند. این پروسه همواره با خلق جنایت های تکان دهنده همراه است. هر دسته کینه توز و قومگرایی که بتواند اسلحه و رزق و روزی چند صد نفر انسان مستاصل و درمانده را تامین کند میتواند نیرویی در شکل دادن چنین سناریوی سیاهی باشد. فاجعه یوگسلاوی، گورهای دسته جمعی، استیصال و درماندگی که تاثیر پاك نشدنی بر بخشهای وسیعی از جامعه بجا گذاشت محصول تحرك و

بالفعل شدن این جریانات است. این ملی گرایی و ملت تراشی حتی در قلب اروپا بخون میکشد و بی خانمان میکند.

اما آنچه به این روند يك پایه مادی و احتمالی میدهد، سیاست و جایگاه این جریانات در نظم نوین جهانی دردوران پس از جنگ سرد است. ایدئولوژی و تفکر و بعضاً خود این جریانات قوم پرست و ناسیونالیست يك پایه و يك رکن روند کشور سازی و تجدید آرایش حاکمیت بورژوازی در کشورهای هیستند که دستخوش تحولات سیاسی و حکومتی شده اند. و این یکی از ارکان سیاسی نظم نوین جهانی است. نگاهی به تلاشهای اخیر بورژوازی در سطح جهان و بطور مشخص به طرحها و سیاستهای کشور سازی هیات حاکمه آمریکا نشاندهنده این واقعیت کریه است. بطور پایه ای باید گفت که ملیت، قومیت، مذهب و سنت بنیانهای ایدئولوژیک حکومتهای سازمان یافته جدید را تشکیل میدهند. خلاء ایدئولوژیک ایجاد شده در کشورهای بلوک شرق را این جریانات و گرایشها تامین کرده اند. در این دوران بر خلاف قرن نوزدهم سکولاریسم، جدایی مذهب و قومیت از حاکمیت نقشی ایفا نمیکند.

تجربه افغانستان و عراق موخرترین چنین پروسه هایی هستند. تلاش برای شکل دادن حکومتهای قومی و مذهبی بخشی از سناریوی آمریکا در عراق است. بند و بست با جریانات مترع قومی و قبیله ای و خانخانی روندی است که اکنون در عراق شاهد آن هستیم. قانون اساسی پیشنهادی در عراق که مورد تایید آمریکا است به يك نظام قومی و اسلامی و ضد زن رسمیت بخشیده و حاکمیت دستجات قومی و باندهای سیاه مذهبی را بر سرنوش مردم در این کشور حاکم میکند. قومیت يك پایه دولت در عراق و پایه دیگر آن مذهب است. مردم را بیشمرا نه به مذاهب و اقوام با منافع متضاد و متخاصم تقسیم کرده اند و این هویتهای کاذب را بر سینه شان الصاق کرده اند. تقسیم بندی مردم به مذاهب و اقوام مختلف و تشبیت آن موجب تشدید انواع خصومتها و کشمکشها و زمینه ساز آینده ای خونبارتر و يك تراژدی عظیم انسانی



سیاست ارباب به جایی نرسید

اصغر کریمی

مضحکه انتخاباتی، چنان بی ثباتی رژیم تشدید شد که علیرغم توافقات قبلی، رفسنجانی را آوردند و بالای سر احمدی نژاد گذاشتند و بدین طریق در پیشگاه مردمی که هر آن مترصد به زیر کشیدن این حکومت اند، به بی ثباتی و استیصال و بلاتکلیفی خود اعتراف کردند.

این اوضاع فراخوانی به توده های وسیع مردم، به کارگران، به دانشجویان و جوانان است که تعرضات خود را گسترش دهند. رژیم کنترلش بر اوضاع را روز بروز بیشتر از دست میدهد. صفوفش بیشتر بهم میریزد و توان سرکوبش کمتر و کمتر میشود. جنبش کارگری باید بتواند تر از همیشه، تلاش برای متشکل شدن، سازمان دادن مجامع عمومی و شوراهای خود را در دستور بگذارد و خواستهای سراسری خود از خواست افزایش دستمزد به ۴۵۰ هزار تومان تا بیمه بیکاری و لغو قراردادهای موقت و جایگزینی آن با قراردادهای دسته جمعی، بهبود ایمنی و بهداشت محیط کار، پرداخت فوری تمام حقوق موقه و آزادی تشکل و

اعتصاب و سایر مطالبات خود را با قدرت تمام در مقابل دولت و کارفرماها قرار دهد. جنبش دانشجویی باید خود را برای اجتماعات بزرگتر، عقب راندن آپارتاید جنسی و سایر مقررات اسلامی از دانشگاهها، آزادیهای سیاسی و بهبود امکانات رفاهی آماده کند و با قدرت و یکپارچه و سراسری بطرف ۱۶ آذر برود و زنان باید در مقابل تحمیلات مختلف از جمله حجاب اجباری مقاومت سازمان یافته تری بکنند. وقت تعرض همه جانبه بخشهای مختلف مردم در مقابل جمهوری اسلامی و کل نظامی که تباهی و سیاهی را بر زندگی شان حاکم کرده است، فرارسیده است. *

برگزاری باشکوه روز کودک در تهران و چندین شهر کردستان صرفنظر از اهمیت آن، يك واقعیت سیاسی مهم را هم خاطر نشان کرد. سیاست ارباب و بگیر و ببند راهگشا نبود و بجای نرسید. احمدی نژاد را آوردند تا در مقابل مردم چنگ و دندان نشان دهند، ارباب کنند، جلو اعتراض رو به رشد مردم را بگیرند و مردم را به خانه بفرستند. در شهرهای کردستان با شدت عمل و وحشیگری تمام به مقابله با اعتراض مردم برخاستند، کشتند و زدند و گرفتند و شکنجه کردند اما سرعت معلوم شد که این سیاست راه به جایی نمیرسد. یعنی مردم نترسیدند و به اعتصاب و اعتراضشان ادامه دادند. روز کودک اوج خودنمایی مردم بود با شعارهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی در دفاع از کودک. حرکتی در مقابل همه مزخرفات اسلامی و قوانین و رسوم ارتجاعی. مردم زیر پرچم خواستهای انسانی شان برای کودکان به خیابان آمدند و بر سیاست تشدید ارباب و خفقان و بگیر و ببند رژیم خط بطلان کشیدند.

تشنجات در میان بالائی ها نیز که منجر به سپردن منصب مهمی به رفسنجانی شد، انعکاس ناتوانی حکومت اسلامی در پائین و در میان مردم است. ناتوانی در سرکوب و ایجاد ارباب خود را در تصمیمات خامنه ای و باندهای بالای حکومت نشان داد. در جریان مضحکه انتخاباتی رفسنجانی را کنار گذاشتند و در مقابل او پشت احمدی نژاد رفتند. همانموقع ما گفتیم که کابینه ترور نه از سر قدرت است و نه به انسجام و یکپارچگی منجر میشود. گفتیم که این انتخاب از سر استیصال و ناچاری است و شروع کشمکش های تازه و تعمیق بحران در صفوف رژیم است. حقانیت این تحلیل امروز بوضوح خود را نشان میدهد. سه ماه پس از

انسانهاست. ذره ای آرمان حق طلبانه و انسانی در ناسیونالیسم موجود نیست. تمام مضمون حرکت و قدرت ایدئولوژیکش در حمایت و توجیه استعمار، رواج خرافات تبعیض آمیز و حمایت از مبانی قدرت و حاکمیت سرمایه در جامعه است. از نظر فکری ناسیونالیسم یعنی خالی کردن انسانها از خصلت مشترک انسانی شان. سیستمی جامع و مانع در نقطه مقابل اصل اصالت انسان است.

همانطور که در عراق و افغانستان شاهدیم مذهب يك رکن حاکمیت سیاسی و نظام اداری جامعه در الگوی حکومتی بورژوازی جهانی در دوران حاضر است. در ایران بخش عمده این جریانها به ضرب فشار سیاسی و تمایلات مردم مدعی سکولاریسم هستند. اما در عین حال نگران حفظ نفوذ و سلطه مذهب در جامعه هستند. آخوند و مذهب در دستگاه فکری و سیاسی این صف، خوب و بد دارد. مترقی و متحجر دارد. دولت اسلامی باید کنار زده شود، اما مذهب و قدرت جهل و خرافه و تحمیق مذهب باید همچنان در خدمت سرمایه حفظ و پاسداری شود. مذهب عصای دست این جریانهاست. در این چهارچوب مذهب همان نقشی را در به بند کشیدن مردم و جامعه ایفا میکند که دستگاه سرکوب در خفه کردن مردم بازی میکنند. زهری است که ناکار میکند. مذهب يك نیاز پایه ای آلترناتیو حکومتی و اجتماعی جریان راست و ناسیونالیست در جامعه و تحولات آتی است.

اما کدام پروسه های اجتماعی قدرت گرفتن این آلترناتیو را در تحولات اجتماعی تقویت میکنند؟ ضدید با انقلاب و تحول از پایین اساس حرکت سیاسی این جریانهاست. این جریانها برای رسیدن به اهداف سیاسی و آلترناتیو حکومتی خود اساسا متکی به تحولاتی از بالا، از فرای سر مردم، هستند. رژیم چنج، دعوت به لشکر کشی نظامی، تکرار سناریوی عراق در ایران، اتکاء به نیروهای ارتجاعی دول غربی، بند و بست و کودتا از جمله پروسه هایی هستند که زمین مانور و تحرک این جریانها هستند. به میزانی که مردم در سرنگونی رژیم اسلامی به تحولات از بالا، به قدرتهای غربی، امید ببندند این جریانها نقش عمده تری در تحولات آتی پیدا میکنند. و بر عکس به میزانی که مردم به چپ،

از صفحه ۳ یک کشور آزاد ...

کننده این اردوگاه است. سیاست اقتصادی شان در صورت قدرت گیری روشن است. مردم باید بیشتر کار کنند و کمتر توقع داشته باشند. بیشتر کار کنند، کمتر بخواهند و کمتر مصرف کنند.

در سطح سیاسی دارای يك الگوی حکومتی واحد و انسجام یافته حتی در صفوف خود نیستند. سلطنت پرستی، مشروطه خواهی و یا جمهوری بورژوازی اشکال مختلف و مورد مشاجره از الگوهای حکومتی در این جریان است. بستر اصلی این اردوگاه سلطنت طلب و مشروطه خواه است. شاه دارند. اما مانند يك کالای بنجل روی دستشان مانده است. سلطنت پاشنه آشیل شان است. بر خلاف تبلیغات مبلغین و سخنگویان رنگارنگ این اردوگاه در مورد احترام به حقوق بشر و حقوق مدنی شهروندان، عملکرد روتین سیستم مورد نظر این جریانها مستلزم برقراری اشکال نهاده شده استبداد و بی حقوقی و محدودیت بر فعالیت آزادانه در جامعه است. برخی از متفکرین این صف جامعه سوئد و یا دانمارک را با سلطنتش، با موقعیت احزاب و حقوق کارگر و شهروندی اش به مردم وعده میدهند. اما واقعیت این است که فیلیپین و اردن و پاکستان و مراکش مثالهای واقعی تری در بهترین حالت از جانب آلترناتیو بستر اصلی این جریان است. بخشهای حاشیه ای تر این اردوگاه جمهوری خواه هستند.

به لحاظ ایدئولوژیک تماما ناسیونالیست اند. انواع و اقسام تفکر و گرایش ناسیونالیستی در این اردوگاه یافت میشود. بستر اصلی این صف را میتوان با مختصات ناسیونالیست ایرانی شناخت. عظمت طلبی ناسیونالیستی و ستمگری ملی مشخصه شان است. شاخه های حاشیه ای و کناری این اردوگاه را جریانها قومگرایی منتسب به گروههای قومی و فالانژیستهای چکمه پوش ایرانی تشکیل میدهند. هر شاخه این جریان مستقل از اینکه به چه گرایشی تعلق دارند، تماما نژاد پرست است. ناسیونالیسم علی العموم ضد برابری مطلق انسانها و مدافع تبعیض و نابرابری است. ناقض حقوق جهانشمول و برابر شهروندان و حقوق مدنی

در عراق است. در این رابطه نقش دول غربی و آمریکا تعیین کننده و اگر نه بیشتر، کمتر از جریانها قومگرا در تحمیل چنین سناریوی خونینی بر مردم نیست.

واقعیت این است که بدون حمایت مادی و معنوی بخشهای وسیعی از بورژوازی از چنین روندی این جریانها قادر نخواهند شد میدان دار تحولات سیاسی شوند. از جنبشهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی سرعت شکست میخورند و حاشیه ای میشوند.

مختصات

آلترناتیو ناسیونالیستی

تحولات سیاسی ایران در آینده بیش از پیش صحنه جدال اساسی دو اردوگاه ناسیونالیسم بورژوازی پرو غرب و جنبش کمونیسم کارگری است. مردم علی العموم از میان این دو آلترناتیو چپ و راست انتخاب میکنند؟ این دو اردوگاه کمپهای راست و چپ را در تحولات آتی شکل میدهند. ناسیونالیسم راست و پرو غربی يك آلترناتیو واقعی و مطرح در تحولات آتی ایران است. آیا افق و آلترناتیو غالب در برابر رژیم اسلامی در خطوط اساسی خود يك افق راست و ناسیونالیستی است یا چپ و انسانی و آزادیخواهانه؟ نقش ناسیونالیسم در تحولات سیاسی ایران چیست و مختصات اقتصادی و سیاسی این آلترناتیو کدامست؟ روندها و مولفه های سیاسی و مادی در این اردوگاه کدامست؟ تاثیر این روندها بر سرنوشت سیاسی جامعه چگونه است؟

به لحاظ اقتصادی این اردوگاه مدافع يك نظام سرمایه داری تمام عیار است. رژیم اسلامی را حکومتی ناتوان در چهار چوب اقتصاد کاپیتالیسم قلمداد میکنند. مدافع بازار آزاد و رقابت سرمایه داری و خواهان سپردن سرنوشت اقتصادی مردم به دست نیروهای رقابت و بازار آزاد است. کوچکترین توهمی به پیشبرد سیاست تعدیل اقتصادی و یا حتی ذره ای اعمال محدودیت بر کارکرد سرمایه ندارد. رفاه و تامین اجتماعی شاخصی در عملکرد اقتصادی این جریان نیست. برعکس ریاضت اقتصادی سیاست اعلام شده تئورسینهای این صف است. اقتصادی مبتنی بر نیروی کار ارزان شاخص اصلی و مولفه تعیین

اعتراضات کارگری همچنان رو به گسترش است

چند خبر مهم کارگری در هفته اخیر

شهلا دانشفر



انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار
کرمانشاه

۲۳ مهر ۸۴

اعتصاب کارگران نساجی کردستان ادامه دارد

بیش از دو هفته است که کارگران نساجی کردستان در اعتراض به اخراج ۳۶ نفر از کارگران این کارخانه در اعتصاب به سر میبرند. طی این مدت کارگران به اشکال مختلف دست به اعتراض زدند، با مقامات مختلف دولتی دیدار و گفتگو داشته اند، اما تا سجاد خیرالهی هنگام کار در کانال اداره آب و فاضلاب کرمانشاه واقع در چهارراه سیلو زیر آوار در اثر ریزش دیواره کانال جان می‌بازند، روز ۲۱ مرداد در مجتمع پتروشیمی کرمانشاه علی محمد حیدریان زاده فورمن ساختمانی شرکت پیمانکاری سکوراک به علت سست بودن خاک محوطه کارگاه هنگام جابجائی آرماتور جرتقیل تعادلش را از دست داده و او زیر ۵ تن بار له می‌شود. آخرین مورد در یکی از اولین روزهای مهر است. پیمان نامداری کارگر داربست بندی یکی از پیمانکاران شرکت همپا در پتروشیمی کرمانشاه از ارتفاع سقوط کرد و جان خود را از دست داد. و اما از میان رخدادهای ناگوار در شهرهای دیگر واقعه جانباختن ۱۱ کارگر معدن در کرمان از همه تکان دهنده تر بود که کارفرما به خاطر صرفه جویی در هزینه، دستگاههای تهویه را خاموش کرده بود و در اثر فشرده شدن گاز در داخل معدن، انفجار رخ می‌دهد و همه ۱۱ نفر در آتش می‌سوزند.

خانواده های کارگران کشته شده معدن "باب نیزو" به تهران می‌آیند

انفجار معدن باب نیزو در ۲۲ شهریور ماه و جان سپردن ۱۱ کارگر در این اتفاق ناگوار موجی از اعتراض در میان کارگران در باب نیزو و در میان دیگر کارگران بوجود آورده است. گفته میشود که کارگران خواهان مجازات مسببین این حادثه شده اند و صحبت بر سر آمدن خانواده های کارگران قربانیان این حادثه به تهران برای برپایی یک تجمع اعتراضی در تهران است. بنا به گزارشات دولتی چند سال پیش جمعی از کارشناسان روسی در بازدید از این معدن با اشاره به گاز های موجود در این معدن، فعالیت در این شرایط را خطر ناک اعلام کرده بودند.

تجمع و تحصن کارگران ایران الکتریک رشت وارد بیستمین و دومین روز خود شد

تجمع کارگران کارخانه ایران الکتریک رشت هم چنان ادامه دارد و تحصن آنها وارد بیست و دومین روز خود شده است. کارگران ایران الکتریک رشت در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود از روز دوشنبه ۲۸ شهریور ۸۴ مقابل

اعتراضات کارگران کارخانه شاهو و نساجی کردستان و کمک مالی این کمیته به صندوق همبستگی مالی کارگران شاهو، از نمونه های این همبستگی ها در دو هفته اخیر است. این ها همه نشانگر نقش پیشتاز رهبران کارگری و کارگران کمونیست در راس اعتراضات جاریست. اینها همه نشانگر درجه بالایی از سازمانیافتگی اعتراضات کارگری است. اینها همه پیشروی های جنبش کارگری در شرایط کنونی است. اعتراضات همین هفته اخیر کارگران در ایران گوشه هایی از این اعتراضات و این پیشروی ها را نشان میدهد. از جمله خبر آمدن ۱۱ کارگر قربانی معدن باب نیزو کرمان به تهران، اعتصاب همزمان کارگران نازخ، فرنخ و پوشینه بافت در قزوین از جمله اتفاقات مهم در هفته جاری است. در زیر توجه شما را به خلاصه ای از چند خبر مهم کارگری که در هفته اخیر روی داده جلب میکنم:

قطعهنامه انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

علیه وضعیت موجود زندگی کارگران و شرایط ناامن محیط کار

شرایط فلاکت بار زندگی و عدم امنیت شغلی کارگران امروزه به اهرم فشاری در دست سرمایه دارن و کارفرماهایشان تبدیل شده تا کارگران را وادار کنند که تحت هر شرایطی خطرناکی تن به کار دهند، از جمله این عوامل فشار، پائین بودن سطح دستمزد، قراردادهای موقت حتی به مدت یک ماه و در بسیاری موارد بدون قرارداد (روزمزد)، نداشتن بیمه تامین اجتماعی می باشد. طی مدت ۳ ماهه تابستان فقط در کارگاههای کرمانشاه حادثی که ما از آنها مطلع شده ایم به این ترتیب است: اوایل تیر ماه ۸۴ در جریان تخریب ساختمان بانک ملی کرمانشاه شعبه مرکزی قطعه

فروشگاه تعاونی کارکنان ایران الکتریک در خیابان ملت نزدیک سه راه استانداری دست به تجمع و تحصن زدند و این حرکت اعتراضی همچنان ادامه دارد. کارگران این کارخانه ۱۵ مهر ماه نیز مقابل شهرداری رشت تجمع اعتراضی داشتند. کارگران ایران الکتریک خواهان دستمزدهای معوقه و ایمنی شغلی خود هستند. کارگران اعلام کرده اند که تا به خواسته شان نرسند حرکت اعتراضی شان را ادامه خواهند داد.

تجمع کارکنان بیمارستان کرمانشاه مقابل مجلس

جمعی از کارکنان بیمارستان مهدیه کرمانشاه روز یکشنبه ۱۷ مهر ماه در اعتراض به ۱۰ ماه حقوق پرداخت نشده خود و نادیده گرفتن حقوق خود در مقابل مجلس تجمع کردند. تجمع کنندگان که حدود ۶۰ نفر از کارکنان زن و مرد بیمارستان مهدیه کرمانشاه هستند با در دست داشتن پلاکاردی خواستار احقاق حقوق خود شدند.

تجمع اعتراضی همزمان کارگران نازخ، فرنخ و پوشینه بافت

روز ۱۶ مهر کارگران کارخانه نازخ، فرنخ و پوشینه بافت قزوین در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود جاده مابین قزوین و شهر صنعتی البرز را از صبح اینروز بستند. در محل تجمع کارگران نیروهای سرکوبگر و اطلاعاتی فوق العاده زیاد بودند و به تهدید کارگران می پرداختند. در این جاده بدلیل رفت آمد زیاد خودرو ها در آن کیلومترها راه بندان ایجاد شده بود و کارگران به هیچ عنوان از وسط جاده بلند نمی شدند تا اینکه نیروهای گارد ویژه سپاه با چماق به جان کارگران افتادند و آنها را متفرق کردند. نیروهای ویژه سپاه با ادوات و تجهیزات از نقاط مختلف قزوین به طرف محل تجمع کارگران رفتند. این چندمین بار است که کارگران این

بیش از هزار نفر در مراسم پارک سپیدار روز کودک را گرامی داشتند

اطلاعیه شماره ۴

مراسم روز شنبه ۱۶ مهر در کامیاران که نقطه اوج مراسمهای دیگر در شهرهای کردستان بودند همراه با مراسم تهران نمونه های برجسته ای از این نوع هستند چپ جامعه با انسان دوستی و مدرنیسمش، با فعالیت های اجتماعی و رادیکالش، و با افق رهایی انسان و قدرت اجتماعیش، روز به روز سیمای کل جامعه را به نفع خود تغییر میدهد. این تغییرات نوید بحش، به میدان آمدن يك جنبش اجتماعی، وسیع و با درجه بالایی از هوشیاری را به نمایش میگذارد.

به میدان آمدن قدرتمند این جنبش مدرن و انسانی کل فضای بعد از خیزشهای شهری در کردستان که رژیم میخواست از مردم زهر چشم بگیرد را به نفع مردم و به ضرر رژیم اسلامی تمام کرد.

با این دستاوردها و با این قدرت اجتماعی باید به استقبال ۱۶ آذر برویم.

**کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران**

۱۷ مهر ۸۴ - ۹ اکتبر ۲۰۰۵

ما دلگرم کننده بود. امسال در سنیندهج مراسمهای متعددی برگزار شد اما این مراسم با استقبال کم نظیر شما ابعاد این حرکت را ده چندان کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران به همه دستاوردکاران و فعالین دفاع از حقوق کودکان درود میفرستد.

مراسمهای متعدد در شهرهای سنندج، سقز، دیواندره، و کامیاران همراه مراسم باشکوه مردم در تهران به مناسبت روز جهانی کودک شور و شغف وصف ناپذیری در جامعه ایجاد کرده است.

این سنت مدرن اکنون میروید که کل جامعه ایران را دستخوش تحولات مهمی بکند. مراسم بزرگ روز کودک در تهران، مراسمهای وسیع در شهرهای کردستان خبر از گسترش جنبشی برابری طلب و مدرن دارد. مراسم بزرگ پارک سپیدار در روز يك شنبه در سنندج و

در این مراسم فعالین دفاع از حقوق کودکان و نوجوانان يك سنت دیگری به سنتهای مترقی و مدرن مردم افزودند. خانم سیمین چایچی و تعدادی از فعالین مدافع حقوق کودکان و نوجوانان از پشت میکروفون تشکیل شدن انجمنی تحت عنوان "انجمن حمایت از کودکان و نوجوانان" را در همین مراسم اعلام کردند. ایشان تاکید کردند که از فرادی این مراسم این انجمن فعالیتش را آغاز میکند.

اعلام موجودیت این انجمن بوسیله خانم چایچی چنین بیان شد: ما فعالین و برگزار کنندگان این مراسم تصمیم گرفتیم در میان احساس مسولیت و استقبال شما عزیزان از این مراسم و برای دفاع از حقوق کودکان و نوجوانان موجودیت انجمن خاص این عرصه را به اسم "انجمن حمایت از کودکان و نوجوانان" اعلام کنیم. خانم چایچی اعلام کرد استقبال شما از فراخوان

مراسم خانم محمدی ضمن خوش آمد گویی میکروفون را به بچه ها سپرد و تعداد زیادی از بچه ها شعرو سرود خواندند، و سخنانشان را با شادابی بیان کردند. امروز در این مراسم پلاکاردها بزرگ کودکان مقدمند بر در و دیوار نصب شده بود. اما واقعاً در این مراسم کودکان مقدم بودند. علیرغم اینکه چندین نفر قرار بود سخنرانی کنند اما نوبت فقط به اعلام برنامه، يك سخنرانی و خواندن قطعهنامه محدود شد.

سیمین چایچی یکی از برگزار کنندگان این مراسم سخنرانی کردند و قطعهنامه این مراسم را يك دختر جوان قرائت کرد و مورد استقبال گرم شرکت کنندگان قرار گرفت.

حضور تعداد قابل توجهی از فعالین کارگری و کارگران نساجی شاهر و نساجی کردستان، همراه با خانواده های آنها سیمای پر قدرت تری به این مراسم داده بود.

بزرگترین مراسم گرامی داشت روز جهانی کودک در شهرهای کردستان يك شنبه ۱۷ مهر در پارک سپیدار سنندج برگزار شد. در این مراسم تنوع برنامه ها و ابعاد مراسم دیدنی و شور انگیز بود.

مردم از ساعت ۳ بعد از ظهر دست دسته همراه کودکانشان وارد پارک سپیدار شدند. برگزار کنندگان از قبل، پارک را آماده پذیرایی مهمانان کرده بودند. کودکان به محض ورود به پارک، به ایستگاه نقاشی هدایت میشدند. تمام صندلیهای موجود در انبار پارک در جایگاه مخصوص مهمانان ردیف شده بود اما صندلی کم و جمعیت چند برابر وارد پارک شدند. صدها کودک در گروههای مختلف آواز، تاتر، نقاشی و سرود و شعرخوانی و ... سازمان داده شده بودند.

کودکان با شور و شوق فراوانی پشت میکروفون میرفتند و آرزوهایشان را میگفتند. در این

پیام تبریک حمید تقوایی

به مریم نمازی

کشورهای غربی نیز با تئوریهای ارتجاعی ای نظیر نسبت فرهنگی انکار میشود. مقابله با رسوخ مذهب در زندگی اجتماعی انسانها و تئوریهای توجیه گر آن يك ضرورت مبرم جهان ماست و حزب ما با رفقای فعال و سخت کوشی چون تو در صف مقدم این مبارزه قرار گرفته است.

این موفقیت را صمیمانه به تو تبریک میگویم و برایت پیروزیهای بیشتری آرزو میکنم.

**حمید تقوایی
دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران**
۸ اکتبر ۲۰۰۵

قرار گرفته اند افتخار میکنند.
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ اکتبر ۲۰۰۵، ۱۶ مهرماه ۱۳۸۴

مریم عزیز انتخاب تو به عنوان سکولاریست سال از جانب "جامعه سکولار" انگلیس خیر بسیار مسرت بخشی بود. این گام دیگری است که بدنبال پیروزی کمپین علیه دادگاههای اسلامی در کانادا، جنبش و حزب ما به جلو بر میدارد. به عقب راندن دولت کانادا و اکنون برسمیت شناسی فعالیتهای پیگیرانه تو در مقابله با اسلام سیاسی و در دفاع از حقوق پناهندگان و زنان از جانب سکولاریستهای انگلستان نشانگر پیشتازی جنبش کمونیسم کارگری در مبارزه برای حقوق مدنی و سکولار است، حقوقی که حتی در

و در صف مقدم جنبش مردم شریف و آزاده دنیا علیه ارتجاع مذهب و اسلام سیاسی و تبعیض و بیحقوقی

مریم نمازی بعنوان سکولاریست سال شناخته شد

میانها و کشورهای که به آن فرار کرده اند قرار دارند. هما ارجمند که کمپین علیه دادگاههای شریعه در کانادا را به پیروزی رساند، نمونه ای از این نسل است. او اشاره کرد که اوضاع دارد عوض میشود و چهره کریه جنبش مذهبی برای مردم در سراسر دنیا آشکار میشود و امروز مبارزه ای سازش ناپذیر برای دفاع از ارزشها و مطالبات پیشرو و انسانی و مبارزه برای مذهب زدایی از جامعه بیش از هر زمان مورد نیاز است.

ما این موفقیت را به مریم نمازی بخاطر مبارزه بی وقفه و موثرش علیه اسلام سیاسی و در دفاع از سکولاریسم و حقوق زنان، که او را به چهره ای شناخته شده و محبوب تبدیل کرده است صمیمانه تبریک میگوئیم. حزب کمونیست کارگری به مریم نمازی و بسیاری دیگر از کادریهای حزب که امروز در کشورهای مختلف به پرچمدار ارزشهای پیشرو و انسانی تبدیل شده

مدارس و موسسات عمومی و مبارزه برای سکولاریسم و مذهب زدایی در ایران، انگلیس و در سایر نقاط و بعنوان برنامه ساز تلویزیون انترناسیونال معرفی کرد. او گفت که مریم نمازی سالهای طولانی است در این زمینه مبارزه میکند اما امروز گوش شنوا برای صحبت های او زیادتار شده است. بدنبال آن مریم نمازی سخنرانی کوتاهی کرد که با استقبال گرم و کف زدن مکرر حاضرین که عمدتاً از فعالین قدیمی سکولار و نهادهای ضد مذهب در انگلیس بودند روبرو شد. مریم نمازی در سخنرانی خود ضمن اشاره به نقش مذهب و اسلام سیاسی و ضرورت مبارزه بی امان علیه آن، از منصور حکمت یاد کرد که افکار او را شکل داده و از نزدیک مشوق و الهام دهنده او و نسلی از سکولارهای ایران و عراق و خاور میانه بوده است، نسلی که تعداد قابل توجهی از آنها در صف مقدم مبارزه برای سکولاریسم در خاور

مریم نمازی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری و چهره شناخته شده مبارزه علیه اسلام سیاسی و دفاع از حقوق زنان از طرف "جامعه سکولار" انگلیس بعنوان سکولاریست سال برگزیده شد و امروز ۸ اکتبر جایزه سکولاریست سال در مراسمی در لندن به او اهدا شد.

Polly Toynbee استون نویسن گاردین و از گردانندگان این مراسم قبل از اعطای جایزه به مریم، به سابقه فعالیت او پرداخت و و گوشه ای از تاریخ غنی مبارزات مریم نمازی در عرصه های مختلف را از خدمت به پناهندگان تیپویی در سودان تا مسئولیت فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، از عضویت در شورای مرکزی سازمان آزادی زن تا تلاش و مبارزه علیه اعدام و سنگسار و آپارتاید جنسی، از مبارزه علیه حجاب کودک و دادگاهها و قوانین اسلامی تا دفاع از ممنوعیت سمبل های مذهبی در

ادامه تور سخنرانی علیه اعدام در سوئیس

اطلاعیه شماره ۲

روز جمعه ۷ اکتبر به دنبال کنفرانس مطبوعاتی، عصر این روز پانل سخنرانان در دانشکال زوریخ ادامه یافت.

در این سخنرانی که با استقبال مردم روبرو شده بود، با سخنان رئیس عفویین الملل سویس آغاز و مسول تور سخنرانیها علیه اعدام سخنرانان این پانل را معرفی کرد.

پانل روز جمعه با سخنرانی مینا احدی شروع شد. مینا احدی سخنان خود را این چنین آغاز کرد:

"من از کشوری میام که در آن روزانه چندین نفر به اعدام محکوم میشوند. من از کشوری می آیم، هنگامی که بچه های آن در کوچه و خیابان بازی میکنند هر آن ممکن است با صحنه ای فبیع چون اعدام یک نفر، شلاق زدن به یک نفر، و یا سنگسار و آویزان کردن یک نفر مواجه شوند"

من از کشوری می آیم که زنان به جرم رابطه جنسی خارج از ازدواج سنگسار میشوند. من از ایران می آیم. از ایرانی که اسیر مشتکی آخوند خونخوار و مشتکی منفعت طلب بیرحم است. اما میدانم کشورهای شبیه ایران کم نیستند. نظام تولیدی حاکم به این توحش احتیاج دارد. این توحش و درنده خویی بخشی از سیستم سرمایه داری است. کل این نظام بیاد تغییر کند تا انسان آزاد شود.

اما در این کشور که من از آن حرف میزنم یک جنبش گسترده و مدرن و مخالف اعدام وجود دارد. مینا احدی در ادامه سخنرانی خود خلاصه ای از فعالیتهای کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار را معرفی کرد. در ادامه عکس شهلا جاهد و کبرا رحمانپور را به عنوان کسانی که قرار است به همین زودی اعدام شوند را به جمعیت معرفی کرد و خواهان حمایت از آنها شد. خانم احدی اعلام کرد که کمیتههای نجات جان کبرا و شهلا چنان گسترده و جهانی شده است، اکنون این دو نفر

از چهره های سرشناس جهان به حساب می آیند.

سخنران دوم این پانل: هاشم محمد احمد از سودان بود. او آخرین تحولات در مورد احکام اعدام در سودان را مطرح کرد و گزارشی از سیاستها و قوانین کشورهای آفریقایی در مورد حکم اعدام را به جمع ارائه داد.

سخنران سوم: مارتینا کوریا از آمریکا بود که برادرش به اعدام محکوم شده است. برادر مارتینا ۱۵ سال است که در زندان بسر میبرد و حکم اعدام در مورد او صادر شده است. مارتینا در مورد سیستم ناعادلانه قضایی آمریکا حرف زد و این سیستم را به نقد کشید. او خواهان اعمال فشار به دولت آمریکا شد.

سخنران چهارم، فانتا البویت از مراکش بود. ایشان زنی میباشد که به جرم فعالیت سیاسی ۵ سال در زندانهای مراکش بسر برده است. ایشان اکنون یکی از فعالین سرشناس مدافع حقوق انسانی است. او اعلام کرد که در مراکش ظاهراً و قانوناً اعدام لغو شده است، اما به دلایل مختلف و در لوای مسایل متفاوتی اعدام همیشه اجرا شده است.

سخنران پنجم، ریک هالپرین رئیس سازمان عفویین الملل آمریکا بود. سخنرانی تهبیجی و سطح بالای ریک مورد توجه جدی مردم قرار گرفت. ریک اعلام کرد که هم اکنون چند هزار نفر در آمریکا منتظر اجرای حکم اعدام هستند. هنگامی که من سوار هواپیما شدم یک نفر را اعدام کردند. تا هنگامی که برگردم ۷ نفر دیگر اعدام شده اند. در آمریکا از روشهای دردناک و وحشیانه ای برای اعدام استفاده میشود که خود این درد اعدام را چند برابر میکند. استفاده از صندلی الکتریکی، گاز خفه کننده، تزریق سم کشنده، و در دو استان به دار آویختن اعدامیها از نمونه هایی

است که در آمریکا بکار گرفته میشود.

ریک خواهان اعتراض جهانی علیه آمریکا شد.

در پایان این پانل، مینا احدی خطاب به جمعیت اعلام کرد: ما را نگاه کنید با رنگهای مختلف، زبانهای متفاوت و از کشورهای مختلف و با عقاید متفاوت آمده ایم، اما همگی علیه اعدام هستیم. اشتراک ما انسانیت ما است. میلیونها نفر در جهان مثل ما علیه اعدام هستند. باید این جنایت و قتل عمد دولتی را پایان داد.

روزنامه سراسری "بازل" سوئیس گزارش مفصلی از این پانل و کنفرانس مطبوعاتی قبل از آن را منتشر کرده است. بازل نوشته است سخنرانان از آمار بالای اعدامیها حرف زدند و "مینا احدی فعال سرشناس جهانی خواهان اعمال فشار بیشتر علیه جمهوری اسلامی شده است"

روز شنبه در شهر "سنت گالن" این پانل برپا بود. سخنرانها بار دیگر برای شهروندان سوئیسی در این شهر سخنرانی کردند. در سنت گالن مینا احدی و ریک، پیشنهاد کردند که از این به بعد از کلمه مجازات اعدام استفاده نشود زیرا چنان وانمود میشود که کسانی جرمی مرتکب شده و به جرم آن اعدام میشوند. این از بنیاد غلط است. بجای این "قتل عمد دولتی" کلمه رسا و گویای است.

شرکت کنندگان در این جلسه از بعد از طرح این پیشنهاد از این ترمینولوژی قتل عمد دولتی استفاده می کردند. قرار شد که از طرف این تور سخنرانی و سخنرانان حاضر در مورد تغییر این کلمه در سطح بین المللی برای جا انداختن این ترمینولوژی درست اقدامات معینی صورت گیرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۷ مهر ۱۹ اکتبر ۲۰۰۵

از صفحه ۵ اعتراضات کارگری ...

کارخانه ها اعتصاب کرده اند و حقوق آنها پرداخت نشده است. کارگران اعلام کرده اند که اگر به خواست آنها پاسخی داده نشود دوباره دست به اعتراض خواهند زد. بنا به گزارشات کارگران شرکتیسنندگی و بافندگی پوشینه بافت قزوین حدود پنج ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. این شرکت با ۷۰۰ کارگر در شهر صنعتی البرز قرار دارد.

۲۰۰ کارگر معدن ذغال سنگ سنگرود در تهران تجمع کردند

صبح روز ۱۹ مهر ماه بیش از ۲۰۰ کارگر شاغل در معدن ذغال سنگ "سنگرود" واحد البرز غربی، در اعتراض به ۹ ماه دستمزد پرداخت نشده خود در مقابل نهاد ریاست جمهوری دست به تجمع زدند.

این کارگران که با خودروی حمل دام از سنگرود خود را به تهران رسانده بودند، شب را در کنار میدان آزادی به صبح رساندند و این موضوع انعکاس بسیاری در میان کارگران در کارخانه های مختلف در تهران داشت و در رسانه های دولت نیز منعکس شد. بنا به گزارشات با واگذاری این معدن به شرکت اکتشاف حفاری ایران بیش از ۶۰۰ کارگر شاغل بلاتکلیف هستند.

بنا به گزارشات به کارگران قول داده شده که ظرف ده روز به خواستههایشان رسیدگی شود. کارگران اعلام کرده اند که اگر به خواست آنها پاسخی داده نشود بار دیگر به همراه خانواده های خود به تهران خواهند آمد. کارگران خواستار کمک برای بازگشت به شهر خود شدند و به آنها قول داده شد که با سه دستگاه اتوبوس آنها را به شهر خود بخواهند گردانند.

بنا به گزارشات به کارگران قول داده شده که ظرف ده روز به خواستههایشان رسیدگی شود.

کارگران اعلام کرده اند که اگر به خواست آنها پاسخی داده نشود بار دیگر به همراه خانواده های خود به تهران خواهند آمد. کارگران خواستار کمک برای بازگشت به شهر خود شدند و به آنها قول داده شد که با سه دستگاه اتوبوس آنها را به شهر خود بخواهند گردانند.

رانندگان اتوبوسهای شرکت واحد در اعتراض به عدم رسیدگی به خواستههایشان از ۲۵ مهر بلیط نمی گیرند.

سنیدیکای اتوبوسرانی طی اعلامیه

خواهند داد. *

چگونگی مقابله با آن در تحولات آتی جامعه در بخش بعدی این نوشته به تفصیل بحث خواهیم کرد.

* ناسیونالیسم و اثرات عمیقا

ارتجاعی عملکرد این صف و

طبقاتی و حفاظت از بنیادهای حاکمیت سرمایه از گزند اعتراضات و انقلاب مردم است.

تاثیرات این پروسه تغییر و تحول در تحولات سیاسی ایران

از صفحه ۴ یک کشور آزاد ...

آلترناتیو چپ و انقلاب در روند سرنگونی روی آوردن، این جریانات عمدتا حاشیه ای و بی ثمر میشوند.

یک رکن فعالیت این آلترناتیو قرار دادن نقطه سازشهایی در مقابل مردم بمنظور حفظ ارکان نظام

اطلاعیه

طول موج جدید

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر برابر یا ۷۴۹۰ کیلوهرتز

به اطلاع میرسانیم که از یکشنبه ۸ آبان ۱۳۸۴ برابر با ۳۰ اکتبر ۲۰۰۵، طول موج رادیو انترناسیونال تغییر میکند. شما از ۸ آبان برنامه های رادیو انترناسیونال را، هر شب ساعت ۹ به وقت تهران روی طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز، خواهید شنید.

تا ۸ آبان و بدلیل تغییر ساعت در ایران موقتا برنامه ای رادیو انترناسیونال هر شب ساعت ۸ به وقت تهران و روی طول موج فعلی یعنی ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز پخش میشود.

لطفا طول موج جدید و ساعت پخش رادیو انترناسیونال را به اطلاع عموم برسانید.

پیامگیر: ۰۰۶۸۶۵۹۰۷۵۵
تلفن: ۰۰۶۷۰۷۶۵۶۳۶۲
e.mail: radio7520@yahoo.com

مدیر رادیو انترناسیونال
سیاوش دانشور
۱۰ اکتبر ۲۰۰۵

دردهایشان سخن میگردد. بنظر میرسد که میسیونرهای مذهبی که هرچا پای عدالت اجتماعی پیش می آید و نامی از سوسیالیسم شنیده میشود، شاخکهایشان تیز میشود و بعنوان پادوی سیا و بانک جهانی راهی منطقه میشوند در ونزولا موفقیت چشمگیری نداشته اند. اما با اخراج مسیحیان "قبائل نو" نقش آنها را نباید پایان یافته تلقی کرد. آنها روی شکست برنامه های اقتصادی چاوز زیر فشارهای اقتصادی آمریکا حساب باز کرده اند که چندان هم دور از انتظار نیست. *

بطور معمول میسیونرهای مذهبی را راهی این کشور کرده اند تا پایگاه اجتماعی چاوز را تضعیف کنند. اینکه برنامه های اقتصادی چاوز را تا چه حد میتوان چپ و سوسیالیستی نامید موضوع بحث دیگرست. چاوز خود ادعا میکند که میخواهد سرمایه های بزرگ را مهار کند و شکاف طبقاتی عظیم و آشکار در این کشور را با حمله به فساد و چپاول موجود از بین ببرد. او برنامه روشن و اعلام شده ای در این رابطه ندارد. او با تجربه پیش میرود. او قابل پیش بینی نیست. اما اکثریت فقرا و زحمتکشان همچنان او را نماینده و صدای خود میدانند. زیرا او مدام از آنها و

چند سال است در جریان است. این روزها چاوز اعلام کرد که میسیونر های مسیحی متعلق به جریان "قبائل نو" در واقع مامورین سیا هستند که مشغول توطئه علیه دولت منتخب این کشورند و باید فوراً خاک ونزولا را ترک کنند. او گفت از حضور این میسیونرها در میان قبائل ونزولا شرممنده است. پیش از آن یکی از مقامات ارشد مسیحی به نام پات رابرتسون در آمریکا در گفتگویی با سی ان ن گفت چاوز باید ترور شود. او گفت چاوز با بن لادن در حملات ۱۱ سپتامبر همکاری داشته و نیم میلیون دلار برای بن لادن برای حملات یازده سپتامبر داده است، با جمهوری اسلامی در مورد تهیه سلاحهای هسته ای سرور دارد و با معمر قذافی هم همکاری میکند. هر کدام از این ادعاها بتنهایی برای آماده کردن افکار عمومی آمریکا برای کودتا علیه چاوز کافی بود.

دولت آمریکا تا کنون آشکار و پنهان در پی برکناری چاوز بوده است. اما چاوز در سال ۹۸ با یک پیروزی انتخاباتی کوبنده پیروز شد و چهار سال بعد یعنی زمانی که مدیای آمریکا دوران چاوز را پایان یافته اعلام کرده بودند و نظرسنجیهایشان اکثریت مردم را مخالف چاوز معرفی کرده بود، او دوباره در سال ۲۰۰۲ با یک پیروزی بزرگ دیگر انتخاب شد. پس از آن یک توطئه کودتا علیه او سازمان داده شد اما چند ساعت بیشتر نتوانست چاوز را از قدرت دور کند. مردم به خیابان ها ریختند و چاوز را بر سر دست به کاخ ریاست جمهوری بازگرداندند. هوگو چاوز خود را چپ و مارکسیست میداند آشکارا علیه سرمایه داران بزرگ و "امپریالیسم" آمریکا سخن میگردد. با یک اصلاحات ارضی گسترده از مالکین و فئودالها سلب مالکیت کرده و زمین ها را به کشاورزان داده است. شکاف عظیم طبقاتی میان اکثریت مردم فقیر با صاحبان سرمایه ها را مورد حمله قرار میدهد. سازمان سیای آمریکا و کل بورژوازی بزرگ ونزولا فعالانه در تلاش شوراندن مردم علیه او هستند و در این رابطه



در حاشیه

کاظم نیکخواه

رویدادها

Something is wrong

در حاشیه

زلزله هند و پاکستان

مناطق فاجعه میکنند. رسانه های رسمی جریان "کمک رسانیه" را با آب و تاب پوشش میدهند. و مساله ظاهراً تمام میشود. بهت زدگان باید به زندگی خویش با "خیالی آسوده" ادامه دهند.

اما همه کس میداند که اشکالی وجود دارد "something is wrong". اینهمه فاجعه انسانی بهیچوجه طبیعی نیست. رابرت مالتوس اقتصاد دان انگلیسی زمانی گفته بود برای جلوگیری از بحرانهای اقتصادی باید شمار انسانها را کاهش داد. بعبارت دیگر باید آنها را سر به نیست کرد. آن کس که جرات کند در کل این فجایع کمی عمیق شود تا بفهمد مشکل در کجاست، بی تردید به نظام و مناسباتی میرسد که جوهر و منطق اصلی آنرا مالتوس از همان ابتدا یعنی در قرن نوزدهم به سادگی بیان کرده بود. مناسباتی که در آن تنها چیزی که مهم نیست انسان و زندگی انسانهاست. مناسباتی که همین دولتها و ارتشهای "خیرخواه" "انسان دوست" بارها نشان داده اند که برای حفظ آن هرچا لازم باشد آماده اند که هر تعداد از انسانها را بیرحمانه کشتار کنند. نام با مسمای آن سرمایه دارست. سرمایه حکم میراند و انسان اسیر اوست. زندگی انسانی هدف نیست وسیله ای برای حفظ سود و پول و سرمایه است. این آن مشکل اصلی است که هم کشتارها و فجایع جنگی و تروستی را توضیح میدهد و هم فجایع و بلایای ظاهراً "طبیعی" را. هرکس که با جسارت دنبال علت واقعی بلایای طبیعی و غیر طبیعی بگردد جز به اینجا نخواهد رسید. و آن کس که از رسیدن به این پاسخ واهمه دارد انگشت اشاره را به سوی طبیعت و آسمان دراز میکند تا با وجدانی راحت تسلیم شود.

میسیونر های مسیحی از ونزولا اخراج میشوند

در ونزولا کشور نفت خیز آمریکای جنوبی جنگی ظاهراً لفظی اما در واقع جدی و واقعی میان دولت آمریکا و دولت چپگرای هوگو چاوز

یک بار دیگر جهان با کشتار چندین ده هزار نفری یک زلزله شوکه شد. در پاکستان و بخشی از هندوستان زلزله ای به قدرت ۶/۷ ریشتر مناطق وسیعی را با خاک یکسان کرد و بنا به گزارشها بیش از ۳۰ هزار نفر را کشت و بیش از دومیلیون نفر را بیخانمان و آواره کرد. قرن بیست و یکم با تراژدی های دردناک آغاز شده است. بلایای ظاهراً طبیعی هرروز هزاران نفر را قربانی میگردد و در ابعاد میلیون نفری انسانها را از خانه و زندگی ساقط میکند. فجایع انسانی در اول قرن بیست و یکم دارد به جزئی از زندگی بشریت تبدیل میشود. سونامی در آسیای جنوب شرقی بیش از ۳۰۰ هزار نفر از مردم قربانی گرفت. طوفانهای آمریکا دهها هزار نفر را از هستی ساقط کرد. زلزله بم حدود هشتاد هزار نفر را کشت. طوفان کاترینا در آمریکا در مقیاس دهها هزار نفر از مردم قربانی گرفت. و هنوز آوارگان میلیون نفری این فجایع و بسیاری فجایع دیگر از صدر خبرها کنار نرفته، که خیر زلزله پاکستان و هندوستان و نابودی سی چهل هزار نفر و آوارگی دو میلیون نفر اخبار فجایع قبلی را به حاشیه میراند.

به این فجایع باید فجایع کشتارهای جنگی و تروستی در افغانستان و عراق و اندونزی و اسپانیا و کشورهای دیگر و همچنین مرگ هزار هزار مرد و زن و کودک در آفریقا در اثر خشکسالی و قحطی و هزاران بلای دیگر را نیز اضافه کرد. آنها که از دایره این فجایع عاجلتا بیرون مانده اند هرروز با بهت و شوک و استیصال خبرها را از مدیای رنگارنگ دنبال میکنند و جز حمل اندوهی فرساینده و حد اکثر اهدای کمکی به بلازدگان کاری نمیتوانند صورت دهند. بعد از آن دولتها و قدرتهای و نهادهای "مصلح" و "خیرخواه" وارد صحنه میشوند. ارتشها و "سپیل کمکها" را به ترتیبی که همه میدانند روانه